

موانع و چالش‌ها فراروی کارویژه‌های اساسی دانشگاه کابل

رحیم حمیدی



ظرفیت آن را دارد تا نیازمندی متقاضیان را برآورده نماید. از این جهت، ضرورت بنیادی است تا برنامه‌ها و سیاست‌های را روی دست گیریم که دانشگاه حیثیت و وجهه گذشته خود را باز یابد و بار دیگر در سطح منطقه به عنوان یک دانشگاه نام آور مطرح گردد. جذب استادان با سواد و مجرب، خانه نشین کردن استادان کهنسال و در عین حال استادان بی سواد دانشگاه، تقویت بخش تحقیقی دانشگاه و تجربی کردن تمام رشته‌های دانشگاهی، کار روی موانع درسی و به روز کردن آن می‌تواند از جمله برنامه‌ها و سیاست‌های رئیس جدید دانشگاه کابل برای بازگرداندن حیثیت دانشگاه کابل باشد.

ب‌نعم: آخرین نکته اینکه نخبگان سیاسی باید از مداخله در کار دانشگاه دست بردارند تا دانشگاه به دور از فضای سیاسی و بدون چشمداشت به منافع نخبگان سیاسی سیاست‌های خود را تدوین نماید. دست درازی نخبگان سیاسی زمینه‌های گسترش فساد و ادامه ناکارآمدی دانشگاه را افزایش می‌دهد. از این جهت، رئیس جدید دانشگاه باید بتواند دست نخبگان سیاسی و منتقدین قومی را از دست درازی در کارکرد دانشگاه کوتاه نماید تا این دانشگاه به دور از فضای غبار آلود دنیای سیاست نفس بکشد و برنامه‌ها و سیاست‌های خاص خود را تدوین و اجرا نماید. دانشگاه نقش اساسی در ترویج و گسترش باورهای دموکراتیک دارد. در دیگر سخن، تحکیم دموکراسی، ارزش‌های جدید بدون کارکرد درست دانشگاه امکان پذیر نیست. در شرایطی که دانشگاه‌ها باورهای دموکراسی، حقوق بشر ترویج نماید و دموکراسی، حقوق بشر، حقوق بشر ترویج نماید و دموکراسی، حقوق بشر ترویج نماید و دموکراسی، حقوق بشر ترویج نماید...

مذهبی و قومیت داشته است. این نگرانی فراروی نسل تحصیل کرده است که در مقابل با نظام سیاسی و حکومت مرکزی قرار می‌گیرد. در واقع، دانشگاه کابل موفق به پرورش آموزه‌های تساهل‌گرایانه و کثرت‌گرایانه نبوده است. بلکه به جای آن اصول بنیادی افراطیت و بنیادگرایی را ترویج نموده است. این دغدغه جدی است. نیازمند آن است که حکومت به صورت جدی به این مسئله بپردازد و در عین حال، از وظایف و مسئولیت‌های اساسی رئیس جدید دانشگاه کابل است تا با پدیده بنیادگرایی در دانشگاه کابل مبارزه نماید. ریشه‌های بنیادگرایی و افراطیت در دانشگاه کابل مشخص است. دانشکده شریعت دانشگاه کابل مروج بنیادگرایی و افراطیت است. نیاز است که این دانشکده به صورت بنیادی و اساسی متحول شود. مواد درسی این دانشکده تغییر نماید و اساتید جدید با آگاهی از الهیات و کلام جدید روی کار آید. دوم، در چند سال اخیر شاهد تنش و برخورد خشونت‌آمیز میان دانشجویان دانشگاه کابل بوده‌ایم. تنش ریشه در این مهم صورت نمی‌گیرد بلکه باورهای

مورد دیگر نشان می‌دهد که دانشگاه کابل افرادی را تربیه می‌کند که در آینده فراروی نسل تحصیل کرده است که در مقابل با نظام سیاسی و حکومت مرکزی قرار می‌گیرد. در واقع، دانشگاه کابل موفق به پرورش آموزه‌های تساهل‌گرایانه و کثرت‌گرایانه نبوده است. بلکه به جای آن اصول بنیادی افراطیت و بنیادگرایی را ترویج نموده است. این دغدغه جدی است. نیازمند آن است که حکومت به صورت جدی به این مسئله بپردازد و در عین حال، از وظایف و مسئولیت‌های اساسی رئیس جدید دانشگاه کابل است تا با پدیده بنیادگرایی در دانشگاه کابل مبارزه نماید. ریشه‌های بنیادگرایی و افراطیت در دانشگاه کابل مشخص است. دانشکده شریعت دانشگاه کابل مروج بنیادگرایی و افراطیت است. نیاز است که این دانشکده به صورت بنیادی و اساسی متحول شود. مواد درسی این دانشکده تغییر نماید و اساتید جدید با آگاهی از الهیات و کلام جدید روی کار آید. دوم، در چند سال اخیر شاهد تنش و برخورد خشونت‌آمیز میان دانشجویان دانشگاه کابل بوده‌ایم. تنش ریشه در این مهم صورت نمی‌گیرد بلکه باورهای

مورد دیگر نشان می‌دهد که دانشگاه کابل افرادی را تربیه می‌کند که در آینده فراروی نسل تحصیل کرده است که در مقابل با نظام سیاسی و حکومت مرکزی قرار می‌گیرد. در واقع، دانشگاه کابل موفق به پرورش آموزه‌های تساهل‌گرایانه و کثرت‌گرایانه نبوده است. بلکه به جای آن اصول بنیادی افراطیت و بنیادگرایی را ترویج نموده است. این دغدغه جدی است. نیازمند آن است که حکومت به صورت جدی به این مسئله بپردازد و در عین حال، از وظایف و مسئولیت‌های اساسی رئیس جدید دانشگاه کابل است تا با پدیده بنیادگرایی در دانشگاه کابل مبارزه نماید. ریشه‌های بنیادگرایی و افراطیت در دانشگاه کابل مشخص است. دانشکده شریعت دانشگاه کابل مروج بنیادگرایی و افراطیت است. نیاز است که این دانشکده به صورت بنیادی و اساسی متحول شود. مواد درسی این دانشکده تغییر نماید و اساتید جدید با آگاهی از الهیات و کلام جدید روی کار آید. دوم، در چند سال اخیر شاهد تنش و برخورد خشونت‌آمیز میان دانشجویان دانشگاه کابل بوده‌ایم. تنش ریشه در این مهم صورت نمی‌گیرد بلکه باورهای

کارکرد دانشگاه‌های افغانستان و به ویژه دانشگاه کابل همواره مورد انتقاد بوده است. افزایش تنش میان دانشجویان در لبله و صحن دانشگاه، کیفیت پایین مواد درسی، ظرفیت پایین اساتدان دانشگاه، رشد بنیادگرایی و افراطیت، برخورد ناشیانه کارگزاران دانشگاه با مراجعین و دانشجوین و ... از جمله مواردی بوده است که رسانه‌ها و مردم بارها آن را اظهار نموده است. در ۱۵ سال گذشته، دانشگاه کابل بیش از آن که یک فضای علمی و آکادمیک بوده باشد بیشتر فضای سیاسی داشته است. سیاسی شدن دانشگاه باعث جلوگیری از دگرگونی و تحول علمی در این دانشگاه شده است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود آیا وزارت تحصیلات عالی کشور با تقرر حمیدالله فاروقی قادر به رفع مشکلات مذکور خواهد بود؟ آیا دانشگاه کابل کارویژه‌های اساسی خود را باز خواهد یافت؟

روز شنبه، حمیدالله فاروقی به عنوان رئیس دانشگاه کابل از سوی فریده مومند معرفی شد. او ایجاد فضای مناسب، توسعه بخشهای تحقیقی، بلند بردن ظرفیت اساتدان، همگام سازی ادارات با تکنالوژی، شیوه تدریس معیاری و فراهم ساختن زمینه ارتباط دوام دار با دانشگاه‌های جهان از برنامه‌های مهم خود خواند. با این حال، برخی مسائل و مشکلات دیگر باقی مانده است که او در صحبت‌های خود به آن اشاره ننموده است. اول: رشد بنیادگرایی و افراطیت توسط اساتدان دانشکده شریعت از مهمترین دغدغه‌های در مورد دانشگاه کابل است. در سال‌های گذشته، موارد بسیاری از ارتباط دانشجویان این دانشگاه با گروه‌های تروریستی و دهشتناک مشاهده شده است. ریاست عمومی امنیت ملی بارها افرادی را دستگیر نموده است که دانشجویی دانشگاه کابل بوده و ارتباطی با گروه طالبان و یا دیگر گروه‌های تروریستی داشته است. در عین حال، در سال‌های گذشته تظاهرات از سوی برخی دانشکده‌های دانشگاه کابل برگزار شد که شعارهای ضد دموکراسی، حقوق بشر، حق زن سر می‌دادند. این موارد و بسیار

هند، یار و همراه افغانستان برای رسیدن به موفقیت

غزنوی

هند استقلال خود را در ۱۵ اگست سال ۱۹۴۷ به دست آورد. هند و افغانستان در این مدت و در طول تاریخ روابط محکم و پرباری داشته است. هند در افغانستان حضور فعالی دارد. هند در عرصه کمک به بازسازی افغانستان در جمع بزرگترین کشورها کمک کننده به افغانستان است.

افغانستان اکنون در مرحله بازسازی قرار دارد. مراحل بازسازی، از ایجاد ثبات و تأمین امنیت آغاز می‌گردد و پدیدال خود رونق اقتصادی، ثبات سیاسی و احیای ساختار اداری و آموزشی و ... را می‌طلبد. در این مسئله جای تردید وجود ندارد که افغانستان به تنهایی و با دست خالی قادر به گذار از این مرحله نمی‌باشد. بنابراین همکاری همه جانبه و بخصوص مساعدت‌های مالی کشورهای دوست و جامعه جهانی از شروط اساسی موفقیت در احیای افغانستان می‌باشد. کشور هند، از زمره دولت‌هایی است که در طی چند سال اخیر، با افتتاح تعدادی از بزرگترین پروژه‌های ملی در افغانستان از جمله افتتاح ساختمان شورای ملی و بند بزرگ سلما در هرات و اعطای صدها میلیون دلار کمک به افغانستان، نقش و جایگاه عمده خود را در بازسازی افغانستان نشان داده و مورد اعتماد واقع شده است.

بنابر این با توجه به پیوستگی متقابل ثبات و بازسازی، افغانستان با سعی و تلاش اگر قادر شود که در زمینه جلب و جذب سرمایه گذاری، تاجران و سرمایه‌گذاران هند موفق گردد، گام مهمی در راستای بازسازی کشور برداشته شده است. این نکته از آنجا دارای اهمیت می‌باشد که هند در مجموع دارای عملکرد مثبت در افغانستان می‌باشد. لذا تأکید بر روابط دوستانه با هند و توسعه آن، در واقعیت یعنی تلاش در جهت جلب و جذب کمک‌ها و امدادهای کشورهای دوست در عرصه بازسازی کشور.

هم چنین کشور هند علاوه بر کمک‌های بلاعوض هم پای دیگر کشورها، از لحاظ تجارب عالی در امر توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیز تحقق دموکراسی الگوی خوبی می‌تواند باشد. هند یکی از کشورهای عمده موفق جهان در عرصه توسعه اجتماعی و اقتصادی یاد می‌شود. بدون شک دست‌یافتن به این موفقیت جهانی ثمره طرح‌ها، سیاست‌ها، و شیوه‌های موثر دولت و حکومت هند است. با توجه به هم‌خوانی و اشتراکات فراوان افغانستان و هند، آن سیاست‌ها و روشها و طرح‌ها می‌تواند به گونه‌ای الگوی توسعه اجتماعی و اقتصادی برای افغانستان نیز قرار گیرد. در عرصه سیاسی نیز هند، بزرگترین دموکراسی جهان خوانده می‌شود. نظام سیاسی در آن کشور از چنان مطلوبیتی برخوردار است که همه آن ترکیب‌ها و تنوع‌ها و تکرارهای جامعه هند در ساختار و سیاست آن کشور بازتاب یافته است. بنابر این این نوع دموکراسی، در جامعه متنوع و متنکر افغانستان نیز می‌تواند قابل الگو برداری باشد.

آنچه بدیهی به نظر می‌رسد اینست که روابط دول و ملل یک امر متقابل و بر اساس نیازها و ضرورت‌های دو جانبه می‌باشد. در این میان در عرصه روابط هند و افغانستان، منافع برای کشور هند نیز نهفته است. اهمیت عمده افغانستان برای هند از جمله در این مورد نهفته است که یک هم‌سویی واقعی و به دور از تعارفات میان افغانستان و هند وجود دارد. این هم‌سویی را می‌توان نیازمندی به صلح و ثبات، توسعه روابط سیاسی و اقتصادی در منطقه، تنش‌زدایی و مقابله با پدیده ششوم تروریسم و افراطی گری، حرکت به سوی تحقق پیمان‌های منطقه‌ای و ... ذکر نمود. اهمیت دیگر افغانستان برای هند از لحاظ اقتصادی است. با توجه به رشد روز افزون اقتصاد هند آن کشور نیازمند بازارهای مصرف می‌باشد. با در نظر داشتن این نکته که کالاهای تولید شده هندی تا اندازه‌ای بی‌از لحاظ کیفیت و قیمت نسبت به کالاهای وارداتی از کشورهای دوردست مقرون به صرفه و قابل توجهی می‌باشد، تحکیم و توسعه روابط دو کشور می‌تواند بازار مطلوب هند را در افغانستان فراهم آورد.

موضوع دیگر در روابط هند و افغانستان، دست‌یابی هند به انرژی عظیم آسیای میانه می‌باشد. هند برای توسعه اقتصاد و صنعت خود نیازمند به انرژی زیادی است. که انرژی نهفته در آسیای میانه می‌تواند برای هند مقرون به صرفه و قابل اعتماد باشد. تأکید بر تحکیم روابط دو کشور و توسعه آن می‌تواند به این نیازمندی هند پاسخ دهد. تأمین انرژی هند از آسیای میانه در آمد خوبی برای افغانستان شمرده می‌شود.

عوامل و اهداف راهبردی در روابط هند و افغانستان

دکتر محسن مدیر شانه چی / قسمت اول

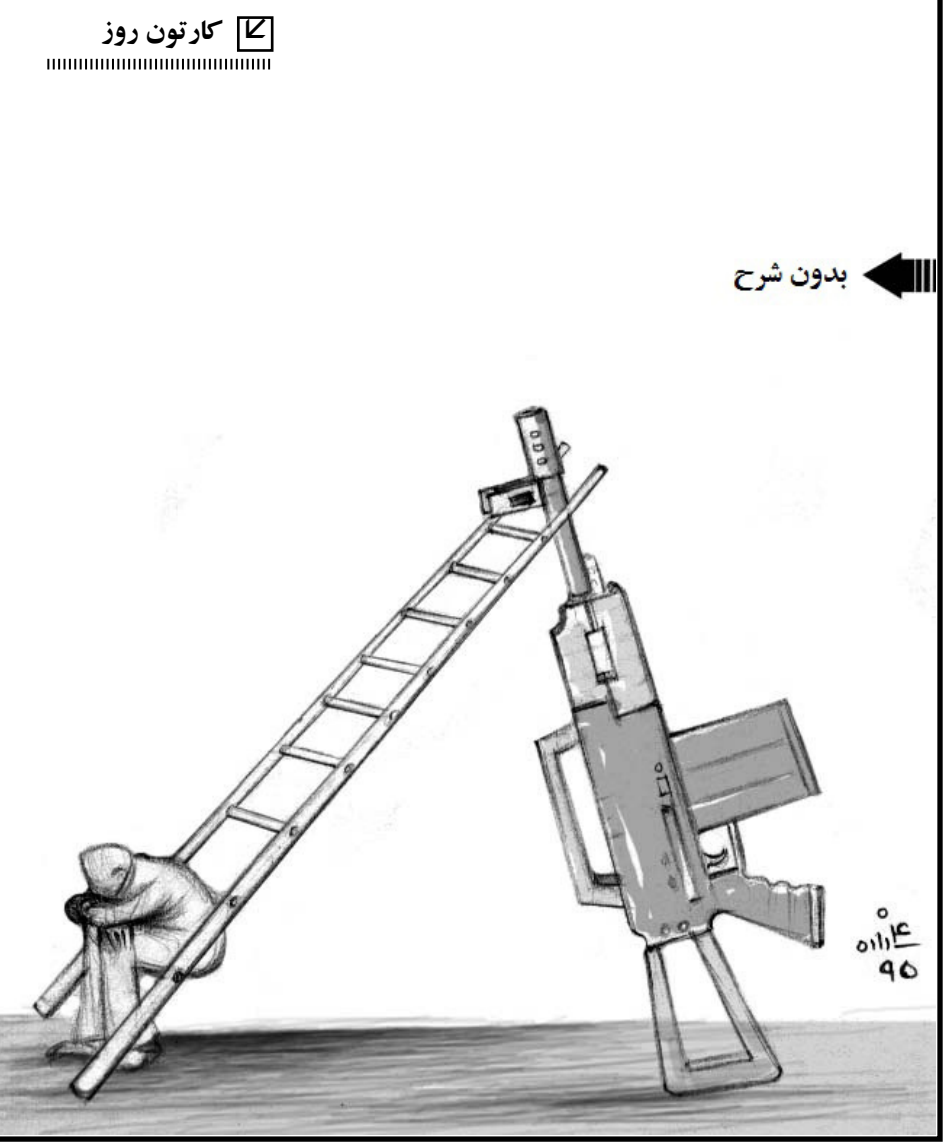
شده. در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱ سفارت هند در دهلی بازگشایی شد و یک ماه بعد در ۲۲ دسامبر همن سال به سطح سفارت ارتقا یافت. در همین ماه جاسوات سینگ وزیر خارجه هند در مراسم آغاز به کار دولت موقت افغانستان در کابل حضور یافت. پس از مدتی کنسولگریهای هند در هرات، قندهار، مزار شریف و جلال آباد نیز افتتاح شد (دفتر مطالعات، ۱۳۸۶: ۲۸۴). رهبران جدید افغانستان از گذشته با هند روابط نزدیکی داشتند. حامد کرزی تحصیلکرده هند بود و دوستی و عبدالله از جبهه شمال در دوران مبارزه با طالبان از حمایت هند برخوردار بودند و این مناسبات زمینه روابط دوستانه دو کشور را در دوره پس از طالبان فراهم می‌ساخت (شفیعی، ۱۳۹۱: ۷۲). کرزی سه ماه پس از تشکیل دولت جدید افغانستان همراه با عبدالله، پونس قانونی و محمد قسیم فهیم وزرای خارجه، کشور و دفاع از دهلی دیدار کرد. در این سفر طی ملاقات عبدالله و واجبیانی نخست‌وزیر هند بر حمایت از حقوق اقلیت سیک در افغانستان که مورد توجه هند بود، تأکید شد. حامد کرزی طی سیزده سال ریاست جمهوری خود از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ بیش از ده بار به هند سفر کرد. در یکی از این سفرها در مارس ۲۰۰۳ دانشگاه هیمالچال برادرش به وی دکترای افتخاری اعطا کرد. همچنین وزرای خارجه و بسیاری از دیگر وزیران و سایر مقامات افغان بارها از هند دیدار کردند. پس از سفر جاسوات سینگ، وزرای خارجه بعدی هند از جمله یاشونت سینها، ناتوار سینگ و پرناب موکرژی از افغانستان بازدید کردند. در دیدار موکرژی از افغانستان ضمن افتتاح بخش جدید بیمارستان ایندیرو گاندی در کابل، خیابان مجاور بیمارستان به نام ایندیرو گاندی نامگذاری شد. در اوت ۲۰۰۵ مان موهان سینگ نخست‌وزیر هند به کابل رفت. وی در سفر دیگری به کابل در مه ۲۰۱۱ در مقام نخستین مقام بلند پایه خارجی در پارلمان افغانستان سخنرانی کرد. ریاست جمهوری اشرف غنی احمد زی دومین رئیس جمهور منتخب افغانستان، در آغاز ترجیح مناسبات با پاکستان به قصد جلب همکاری این کشور در مقابله با طالبان و تروریسم در افغانستان، هند را در اولویت بعدی روابط قرار داد. اشرف غنی ابتدا به پاکستان و چین دو رقیب اصلی هند سفر کرد اما پس از هفت ماه از ریاست جمهوری خود در مه ۲۰۱۵ به هند رفت و با نارندرا مودی نخست‌وزیر هند دیدار کرد. از آن پس مناسبات دوجانبه گسترش یافت و دیدار از هند نیز تکرار شد.ادامه دارد



افغانستان با موراجی دسای نخست‌وزیر هند دیدار کرد (پیرزاده غزنوی، ۱۳۸۵: ۲۴۵). پس از کودتای مارکسیستها علیه داودخان و استقرار حکومت جمهوری دموکراتیک خلق در افغانستان، هند اولین کشور غیر کمونیست بود که رژیم جدید را به رسمیت شناسخت. در ادوار ریاست جمهوری نور محمد ترکی، حفیظ الله امین، ببرک کارمل و دکتر نجیب‌الله روابط مستحکم دو کشور تداوم یافت (فرهنگ، ۱۳۹۰: ۱۰۰۵). با شکل‌گیری مقاومت مجاهدین علیه رژیم مارکسیستی و اشغال کشور توسط ارتش سرخ به حمایت از این رژیم، هند به دلیل روابط نزدیک با شوروی و نیز نگرانی از نفوذ پاکستان بر مجاهدین، برخلاف بسیاری از کشورهای محکومیت اشغال افغانستان خودداری ورزید و همچنان به روابط خود با این کشور و پشتیبانی از آن ادامه داد (دیتسل، ۱۳۶۵: ۱۴۶ تا ۱۴۸). با این حال با سقوط کابل به دست مجاهدین و استقرار جمهوری اسلامی افغانستان، هند به رغم نگرانی از گرایش اسلامی مجاهدین روابط خود را با دولت افغانستان به ریاست برهان الدین ربانی ادامه داد. بروز اختلافات و جنگهای داخلی میان مجاهدین و سقوط دولت آنان به دست طالبان که به ایجاد امارت اسلامی افغانستان انجامید، به قطع روابط دو کشور و بسته شدن سفارت هند در کابل منجر شد. هند علاوه بر اینکه طالبان را به رسمیت نشناخت، آنها را خطری جدی برای امنیت و منافع ملی خود انگاشت و در هماهنگیهای منطقه‌ای با ایران و روسیه و برخی کشورهای دیگر، با حمایت از مخالفان طالبان در صدد مقابله با آنان

یافت. اهمیت آغازین و نمادین این معاهده به گونه‌ای است که ۶۱ سال پس از آن در موافقت نامه استراتژیک اکتبر ۲۰۱۱ به این معاهده اشاره می‌شود (رحمانی و حسینی، ۱۳۹۱: ۲۰۲). در دوران سلطنت چهل ساله محمد ظاهر شاه در پرتو سیاست تاریخی بیطرفی افغانستان مناسبات این کشور و هند که هر دو از بنیانگذاران چنین عدم تعهد بودند، توأم با دوستی و حسن نیت بود و دیدارهایی در سطح سران صورت گرفت؛ دیدار ظاهرشاه در فوریه ۱۹۵۸ و دیدارهای محمد داود خان و دکتر محمد یوسف نخست‌وزیران افغانستان در فوریه ۱۹۵۹ و فوریه ۱۹۶۵ در دهلی، و دیدار جواهر لعل نهرو و ایندیرو گاندی نخست‌وزیران هند در سپتامبر ۱۹۵۹ و ژوئن ۱۹۶۹ از کابل از جمله این دیدارها بود. روابط دو کشور هند و افغانستان پس از کودتای داود خان و استقرار جمهوری در افغانستان در سرطان ۱۳۵۲/ ژوئیه ۱۹۷۳، به دلیل گرایش وی به اتحاد شوروی که هم پیمان هند نیز در نظم دوقطبی محسوب می‌شد، بیش از پیش تحکیم یافت. هند - پس از شوروی - دومین کشوری بود که دو روز پس از روی کار آمدن محمد داود خان افغانستان را به رسمیت شناخت (مصون، ۱۳۸۸: ۱۱۴). در سال ۱۹۷۶ ایندیرو گاندی نخست‌وزیر هند از افغانستان دیدار کرد. سفر سردار محمد نعیم خان برادر محمد داود و نماینده فوق‌العاده افغانستان به هند در سال ۱۹۷۸ که جنگ تبلیغاتی پاکستان را به همراه داشت و سفر چند روز بعد شخص داود خان به هند نقاط عطفی در روابط دو کشور بود. در این سفر که یک روز پس از سفر وی به پاکستان و برای رفع نگرانی هند صورت گرفت، رئیس جمهور

یافت. اهمیت آغازین و نمادین این معاهده به گونه‌ای است که ۶۱ سال پس از آن در موافقت نامه استراتژیک اکتبر ۲۰۱۱ به این معاهده اشاره می‌شود (رحمانی و حسینی، ۱۳۹۱: ۲۰۲). در دوران سلطنت چهل ساله محمد ظاهر شاه در پرتو سیاست تاریخی بیطرفی افغانستان مناسبات این کشور و هند که هر دو از بنیانگذاران چنین عدم تعهد بودند، توأم با دوستی و حسن نیت بود و دیدارهایی در سطح سران صورت گرفت؛ دیدار ظاهرشاه در فوریه ۱۹۵۸ و دیدارهای محمد داود خان و دکتر محمد یوسف نخست‌وزیران افغانستان در فوریه ۱۹۵۹ و فوریه ۱۹۶۵ در دهلی، و دیدار جواهر لعل نهرو و ایندیرو گاندی نخست‌وزیران هند در سپتامبر ۱۹۵۹ و ژوئن ۱۹۶۹ از کابل از جمله این دیدارها بود. روابط دو کشور هند و افغانستان پس از کودتای داود خان و استقرار جمهوری در افغانستان در سرطان ۱۳۵۲/ ژوئیه ۱۹۷۳، به دلیل گرایش وی به اتحاد شوروی که هم پیمان هند نیز در نظم دوقطبی محسوب می‌شد، بیش از پیش تحکیم یافت. هند - پس از شوروی - دومین کشوری بود که دو روز پس از روی کار آمدن محمد داود خان افغانستان را به رسمیت شناخت (مصون، ۱۳۸۸: ۱۱۴). در سال ۱۹۷۶ ایندیرو گاندی نخست‌وزیر هند از افغانستان دیدار کرد. سفر سردار محمد نعیم خان برادر محمد داود و نماینده فوق‌العاده افغانستان به هند در سال ۱۹۷۸ که جنگ تبلیغاتی پاکستان را به همراه داشت و سفر چند روز بعد شخص داود خان به هند نقاط عطفی در روابط دو کشور بود. در این سفر که یک روز پس از سفر وی به پاکستان و برای رفع نگرانی هند صورت گرفت، رئیس جمهور



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش درسی و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا | مدیر مسول: محمد رضا هویدا | سردبیر: حفیظ الله زکی | کاریکاتورست: خالق علی زاده | دیزاین: علی اصغر زاہدی، مصطفی جعفری | مسؤل وب سایت: غلام عباس اسلان | آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷-۱۲۷

افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper